



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث در این بود که گاهی بعد از تقسیم بر اساس سهام مقدر در قران کریم مقداری اضافه یا کم می آید، در اینجا بین ما و عامه اختلاف وجود دارد، آنها وقتی زیاد می آید آن مقدار زائد را به عصبه (رجالی که از طرف پدر با میت مربوط هستند) می دهند ولی ما می گوئیم باید دهان عصبه را پر از خاک کرد و چیزی به آنها نمی دهیم، اما وقتی کم بیاید عامه قائل به عول هستند یعنی سرشکن می کنند و بر همه نقص وارد می کنند ولی ما نقص را به افراد خاصی وارد می کنیم بنابراین ما عول و تعصیب را قبول نداریم.

در روزهای قبل کلام صاحب جواهر را نقل کردیم و اما ایشان در ادامه کلامشان اینطور فرموده: «۱۴: ولو كان معهم (پدر و مادر و بنت واحده) زوجة، أخذ كل ذي فرض فرضه فتأخذ البنت النصف والأبوان السدسین والزوجة الثمن (چون میت فرزند دارد)، والباقي ربع السدس (یک بیست و چهارم) یرد علی البنت والأبوين أحماسا دون الزوجة فإنه لا یرد علیها كما عرفت. ومع الإخوة الحاجبين للأُم یرد الباقي علی البنت والأب أرباعا كما تقدم»^۱.

در اینجا مخارج ۲ و ۶ و ۸ داریم که ۲ در ۶ داخل است لذا ۶ که اکثر هست را أخذ می کنیم، دو مخرج ۶ و ۸ باقی می ماند که با هم متوافقین هستند و مقسوم علیه مشترک آنها ۲ می باشد لذا یکی را بر مقسوم علیه مشترک تقسیم و ضرب در دیگری

می کنیم، ۶ تقسیم بر ۲ می شود ۳ ضرب در ۸ می شود ۲۴ یا ۸ تقسیم بر ۲ می شود ۴ ضرب در ۶ می شود ۲۴، بنابراین ترکه به ۲۴ قسمت تقسیم می شود، یک ششم از ۲۴ تا یعنی ۴ سهم برای پدر و همین مقدار یعنی ۴ سهم نیز برای مادر می باشد، یک دوم (نصف) از ۲۴ تا یعنی ۱۲ سهم برای بنت واحده می باشد، و یک هشتم از ۲۴ تا یعنی ۳ سهم برای زوجه می باشد و یک بیست و چهارم یعنی ۱ سهم اضافه می آید که صاحب جواهر فرموده أحماساً باید تقسیم شود، به این صورت که نسبت سهام یعنی ۵ (۳ سهم دختر و ۱ سهم پدر و ۱ سهم مادر) را ضرب در فریضه اصلی اولی یعنی ۲۴ می کنیم و حاصلش می شود ۱۲۰ و حالا از این مقدار سه پنجم یعنی ۷۲ سهم برای بنت واحده و یک پنجم یعنی ۲۴ سهم برای پدر و یک پنجم یعنی ۲۴ سهم برای مادر می باشد.

خب و اما صاحب جواهر روایتی را نقل کرده و بحث را اینطور ادامه داده که: «قال مُحَمَّد (مُحَمَّد بن مسلم) فی الصحيح: " أقرأني أبو جعفر عليه السلام صحيفة كتاب الفرائض التي هي إملاء رسول الله صلى الله عليه وآله وخط علي بيده فوجدت فيها رجل ترك ابنته وأمه للابنة النصف: ثلاثة أسهم، وللأم السدس: سهم يقسم المال على أربعة أسهم، فما أصاب ثلاثة أسهم فللابنة وما أصاب سهماً فهو للأُم، قال: وقرأت فيها رجل ترك ابنته وأباه فللابنة النصف: ثلاثة أسهم، وللأب السدس: سهم يقسم المال على أربعة أسهم، فما أصاب ثلاثة أسهم فللابنة وما أصاب سهماً فللأب، قال مُحَمَّد: وجدت فيها رجل ترك أبويه وابنته فللابنة النصف ثلاثة أسهم، وللأبوين لكل واحد منهما السدس، لكل واحد منهما

^۱ جواهر الكلام، شيخ مُحَمَّد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۱۱۳، ط ۴۳ جلدی.

سهم، يقسم المال على خمسة أسهم، فما أصاب ثلاثة فلابنة، وما أصاب سهمين فلأبوين^۲ .

صاحب جواهر در ادامه خبر دیگری را نقل می کند و می فرماید: «وفي الخبر: "في رجل ترك ابنته وأمه أن الفريضة من أربعة، لأن للبنث ثلاثة أسهم، وللأم السدس: سهم، وما بقي سهمان، فهما أحق بهما من العم ومن الأخ ومن العصة، لأن الله قد سمى لهما ولم يسم لهم، فيرد عليهما بقدر سهامهما" .^۳

خب و اما روایاتی که دلالت دارند بر اینکه بعد از تقسیم بر اساس فروض مقدر در قران کریم اگر اضافه بیاید به چه کسانی باید داده شود و همچنین اگر کم بیاید نقص به چه کسی وارد می شود در وسائل الشیعة ۲۰ جلدی، جلد ۱۷، صفحه ۴۱۷ نقل شده اند که در اینجا صاحب وسائل خبری را از مجمع بیان نقل کرده که در بخشی از آن اینطور گفته شده: ﴿فإن نقصت التركة عن سهامهم لمزاحمة الزوج أو الزوجة لهم كان النقص داخلا على البنث أو البنات دون الأبوين أو أحدهما ودون الزوج والزوجة ويصح اجتماع الكلالتين معا لتساوي قرابتهما، وإذا فضلت التركة عن سهامهم يرد الفاضل على كلاله الأب والام أو الأب دون كلاله الأم... إلى آخر الحديث﴾^۴.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطاهرين

^۲ جواهر الكلام، شيخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۱۱۴، ط ۴۳ جلدی.

^۳ جواهر الكلام، شيخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۱۱۴، ط ۴۳ جلدی.

^۴ وسائل الشیعة، شيخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۱۷، ابواب موجبات الإرث، باب ۱،

حدیث ۵، ط الإسلامية.